



## نسخه های مهاجر

پژوهشی درباره 'انتقال کتاب های کهن شیعی

از سرزمین های عربی به ایران در آغاز دوره 'صفوی

رسول جعفریان

آفتاب حقیقت مذهب اثنا عشری ارتفاع پذیرفت و اطراف و اکناف عالم از اشراق لوامع طریق تحقیق از مشارق [؟] منور گردید.<sup>۱</sup>

در این باره لازم است تا اصلاحی صورت گیرد. به نظر می رسد که این سخن به طور محدود در سال ۹۰۷، آن هم در آذربایجان درست باشد؛ اما آگاهیم که در نواحی دیگر نسخه های فراوانی از آثار علامه یا دیگر منابع شیعی در ایران پیش از صفوی وجود داشته و بنابر این باید در پذیرش سخن روملو به صورت کلی، تردید کنیم. در حقیقت چند شهر ایران که جایگاه سنتی تشیع بوده، نظیر کاشان، سبزوار،<sup>۲</sup> استرآباد<sup>۳</sup>

در نخستین روزهای تشکیل دولت صفوی، مذهب شیعه امامی به عنوان مذهب رسمی حکومت پذیرفته و اعلام شد. تشیع خاندان شیخ صفی، از هر زمان که بوده باشد، در آغاز تشیعی فقهاتی و علمی نبوده و افزون بر نبودن عالمان و دانشوران فقه شیعی، آثار و کتاب های فقهی شیعه در دسترس آنها قرار نداشته است. بلافاصله پس از روی کار آمدن صفویه، مهاجرت علما و دعوت از آنها آغاز شد. این مسأله در مقاله های مختلفی مورد بحث قرار گرفته است. آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته آن است که در کنار مهاجرت علما، آثار و نوشته های شیعی نیز از مناطق عربی راهی ایران شد و عامل مهمی در ایجاد تحول مذهبی گردید. پیش از این که این بحث را دنبال کنیم، لازم است اشاره کنیم که عدم وجود آثار شیعی در ابتدای تشکیل دولت صفوی مورد توجه مورخان بوده است. اظهار نظر مهم در این زمینه سخن روملو در احسن التواریخ است. وی نوشته است: «در آن اوان، مردمان از مسائل مذهب حق جعفری و قواعد و قوانین ملت ائمه اثنا عشری اطلاعی نداشتند؛ زیرا که از کتب فقه امامیه چیزی در میان نبود و جلد اول از کتاب قواعد اسلام [قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام] که از جمله تصانیف سلطان العلماء المتبحرین شیخ جمال الدین مطهر حلی است که شریعت پناه قاضی نصرالله زیتونی داشت، از روی آن تعلیم و تعلم مسائل دینی می نمودند، تا آنکه روز به روز

۱. احسن التواریخ، (حسن بیگ روملو، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، بابک، ۱۳۵۷) ص ۸۶.

۲. نسخه ای از ایضاح الفوائد فخر المحققین را شخصی با نام محمد بن علی جوینی در سال ۷۹۲ و ۷۹۴ در سبزوار استنساخ کرده است. نک: فهرست کتابخانه مجلس، (علی صدرائی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۶) ج ۲۵، ص ۲۴۹.

۳. درباره استرآباد نک: ریاض العلماء (میرزا عبدالله افندی، تصحیح سید احمد حسینی، قم، کتابخانه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۱۳. عالمی با نام عماد بن علی استرآبادی در روز سه شنبه، پنجم شعبان سال ۱۸۶۱ استنساخ کتاب البیان شهید اول را تمام کرده. این می تواند در ایران بوده باشد. می دانیم که استرآباد در قرن نهم، تقریباً از مراکز مهم شیعه در ایران است.

نسخه، همان نسخه‌ای باشد که با تاریخ یکشنبه ۱۲ صفر سال ۵۹۵ توسط ابوسعید بن حسین کاتب بیهقی کتابت شده و به شماره ۳۶۸ در کتابخانه مرعشی نگهداری می‌شود. این اثر که فارسی است، باید در ایران نگهداری شده باشد. نسخه‌های متعددی از **نهج البلاغه** وجود دارد که مربوط به ایران است. یک نسخه از آن، از قرن هفتم است که توسط حسن بن مهدی علوی حسنی آملی بهلوی در ربیع الاول ۶۷۷ کتابت شده و به شماره ۳۹۹۴ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. افندی رساله‌ای با عنوان **رسالة فی حل الشکوک فی التصور و التصدیق** از شیخ شمس الدین محمد بن شرفشاه نیشابوری دیده که به خط نجاشی نیشابوری بوده و در سال ۶۹۳ کتابت شده بوده است.<sup>۱۲</sup>

گفتنی است که برخی از آثار مؤلفان شیعی ایرانی، در دوران پیش از صفوی به مناطق عربی می‌رفته است. افندی نسخه‌ای **کهن از آیات الاحکام قطب راوندی** را در بحرین دیده است.<sup>۱۳</sup>

#### انتقال نسخه‌های آثار شیعی از مناطق عربی به ایران

تشیع ایران در چهار مرحله از سرزمین‌های عربی به این کشور راه یافته است. نخست توسط اشعری‌ها در اواخر قرن اول و طول قرن دوم به بعد. دوم از طریق شاگردان شیخ مفید به ویژه شیخ طوسی که از ری و سبزوار و آن نواحی بودند. سوم از طریق مکتب حله به رهبری علامه حلی و فرزندش **فخرالمحققین** و چهارم به وسیله علمای جبل عامل مقیم همان

۴. یکی از دانشمندان شیعی قرن ششم، نصیرالدین ابوطالب عبدالله بن حمزه مشهدی معروف به نصیرالدین طوسی است که قطب الدین کیدری از شاگردان اوست، چنان که خودش از ابوالفتوح رازی حدیث نقل می‌کند. افندی کتاب الوافی بکلام المثبت و النافی وی را که تاریخ کتابت آن ۶۷۹ بوده دیده است. نیز نسخه‌ای از صحیفه الرضا دیده که خط وی با تاریخ ۵۷۸ بر آن بوده است. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۱۶.

۵. فهرستی از آثار علامه را که در ایران یا توسط عالمان ایرانی پیش از عصر صفوی کتابت شده، ببیند در تاریخ تشیع در ایران (رسول جعفریان، قم، انصاریان، ۱۳۷۶)، ج ۲، ص ۶۶۹-۶۷۶.

۶. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۹۸-۳۹۷.

۷. همان، ج ۱، ص ۱۷۹، ج ۳، ص ۴۱۸.

۸. فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ج ۱۴، ص ۱۶۰-۱۶۳.

۹. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۲۱.

۱۰. بحار الانوار (محمد باقر مجلسی، تهران، اسلامیه)، ج ۱، ص ۱۱؛

ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۰.

۱۱. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۵۷.

۱۲. همان، ج ۵، ص ۱۰۹.

۱۳. همان، ج ۲، ص ۴۲۴.

و احياناً آری و طوس<sup>۴</sup> محلی برای استنساخ کتاب‌های فقهی شیعه بوده است. نمونه‌هایی از آن مربوط به کتاب‌های علامه حلی است که در جای دیگری به آن اشاره کرده ایم.<sup>۵</sup> یک نمونه کتاب **قواعد علامه** است که حسن بن حسین بن حسن سرابشونی مقیم کاشان در ۷۶۳ آن را کتابت کرده و افندی آن را در تبریز دیده است.<sup>۶</sup> نمونه دیگر نسخه‌ای از **مبسوط شیخ طوسی** در اختیار افندی بوده که اجازه‌ای به خط حسن بن حسین بن علی دوریستی مقیم کاشان با تاریخ ۵۸۴ بر روی آن بوده است.<sup>۷</sup> اجازه دیگری از همان عالم بر روی نسخه‌ای از **ارشاد مفید** بوده که افندی آن نسخه را نیز دیده است. نیز نسخه‌ای از **ارشاد** که توسط حسن بن محمد بن حسین جاسبی هرازکانی در ۱۴ شوال ۵۶۵ نوشته شده و در سال ۵۶۶ با نسخه فضل الله راوندی مقابله شده، به شماره ۱۱۴۴ در کتابخانه مرعشی نگهداری می‌شود. نسخه‌ای از **الاتصار سید مرتضی** با تاریخ کتابت ۲۵ ذی قعدة سال ۵۹۱ توسط ابوالحسن علی بن ابراهیم بن حسن بن موسی فراهانی در محله باب ولان کاشان کتابت شده که به شماره ۳۵۹۸ در کتابخانه مرعشی نگهداری می‌شود. نسخه‌ای مشتمل بر چندین کتاب و رساله شیعی مانند **ارشاد المسترشدين و هداية الطالبين** از **فخرالمحققين**، **رسالة فی علم الکلام**، (مجهول المؤلف) **متهی السؤل فی شرح الفصول** از علی بن یوسف نیلی (قرن هشتم) و ... در سال ۸۴۵ در قریه لامبلنگی کتابت شده است.<sup>۸</sup>

افندی نسخه‌ای **کهن از منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه قطب راوندی** را در استرآباد دیده که به نوشته وی به احتمال در زمان حیات مؤلف (قرن ششم) تألیف شده بوده است.<sup>۹</sup> نمونه دیگر داستان یافت شدن کتاب **فقه الرضا** است که مجلسی به نقل از قاضی امیر حسین یاد کرده که جماعتی از قمی‌ها در مکه نسخه آن را که تاریخش به عصر امام رضا(ع) می‌رسیده، برای او آورده بودند.<sup>۱۰</sup> این کتاب رساله ابن بابویه به فرزندش صدوق است و گرچه متن آن را از روایات امامان گرفته شده، ربطی به امام رضا(ع) ندارد. این کتاب‌ها باید در ایران کتابت شده باشد و طبعاً نافی این نظر است که در آغاز عصر صفوی، نسخه‌هایی از آثار کهن شیعی وجود نداشته است.

نسخه‌ای از کتاب **تفسیر ابوالفتوح رازی** را که در زمان مؤلف یعنی در قرن ششم کتابت شده، افندی دیده است.<sup>۱۱</sup> شاید آن

اردبیل، این نسخه‌ها به اصفهان رفته است که این هم به دلیل اعتبار آن به عنوان مرکز سلطنت صفوی پس از سال هزار، طبیعی است.

به جز اردبیل و اصفهان، شهرهای بسیاری از ایران، از جمله استرآباد، شهرری، بارفروش<sup>۱۹</sup> (بابُل فعلی) و طهران<sup>۲۰</sup> این آثار را در خود جای داده بوده است.

نکته دیگر آنکه در آن زمان سه مرکز شیعی عربی در جهان اسلام وجود داشته که از آن مناطق آثار شیعی به ایران می‌آمد. نخست «عراق عرب» که نزدیک ترین منطقه به ایران بود و مرکز مهمی برای عالمان شیعه به شمار می‌آمده است. دوم منطقه «بحرین» است که تشیع آن بسیار کهن و قدیمی بوده است. سوم منطقه «جبل عامل» که تشیع آن نیز حداقل به چند قرن قبل از روی کار آمدن صفویه باز می‌گردد. کتاب‌های شیعه در این مناطق پراکنده بوده و عمدتاً توسط علمای مهاجر از این مناطق به ایران به حوزه قدرت صفوی انتقال یافته است.

به این نکته هم باید توجه داشت که بسیاری از آثار شیعی مهاجر به ایران، در نوبت‌های بعد، به ویژه پس از آنکه بار دیگر پس از سلطنت نادر، نجف مرکز علمی شیعه شد، به عراق برگشته است.<sup>۲۱</sup>

این نیز گفتمانی است که نباید بحث را به نسخه‌های مهاجر محدود کرد. بسیاری از منابع کهن که در عراق بوده، در اوایل دوره صفوی استنساخ شده و متن استنساخ شده به ایران آمده است. برای مثال، نسخه‌ای از *كشف الغممه* اربلی، توسط طیفور بن سلطان محمد بسطامی در سال ۱۰۴۷ از روی نسخه محقق کرکی استنساخ شده. کرکی نسخه خود را در سال ۹۰۸

۱۴. نک: برگ نخست نسخه حاشیة حاشیة الشریف علی شرح المطالع، ش ۸۰۴۶ مرعشی.

۱۵. به عنوان نمونه نک: ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۸۶؛ ج ۲، ص ۶۸، ۱۰۱-۱۰۳، ۱۰۹، ۱۲۲؛ ج ۴، ص ۱۸، ۳۱۹. لازم به یادآوری است که افندی نسخه کتاب‌های متعددی را نیز که در دوره صفوی بوده در اردبیل دیده و این نشان می‌دهد که به طور مرتب برای کتابخانه شیخ صفی کتاب فراهم می‌آمده است. نک: همان، ج ۴، ص ۳۳۲.

۱۶. همان، ج ۴، ص ۲۶۹.

۱۷. همان، ج ۲، ص ۲۴.

۱۸. در این باره نک: مجله نشر دانش، سال ۱۶، ش ۶، (سال ۱۳۷۲)، ص ۲۴-۲۸.

۱۹. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۶۲ و موارد دیگر.

۲۰. به عنوان مثال نک: همان، ج ۲، ص ۱۵۷، ۱۹۶.

۲۱. حتی می‌دانیم که تا چند دهه قبل، کسانی کوشش فراوانی کردند تا نسخه‌های خطی را از شهرهای ایران جمع‌آوری کرده در کتابخانه امیرالمؤمنین(ع) در نجف قرار دهند!

نواحی یا عراق که در قرن دهم و یازدهم به ایران مهاجرت کردند.

در بخش سوم و بیش از همه در بخش چهارم، آثار مؤلفان شیعی عرب به ایران راه یافت و سبب تحکیم پایه‌های تشیع فقهاتی در این دیار شد. انتقال کتاب‌ها همراه علمایی بود که کتابخانه‌های شخصی خود را به ایران منتقل می‌کردند. در کنار آن، زائران عتبات هم در بسیاری از اوقات، نسخه‌هایی را در عراق خریداری کرده، به ایران می‌آوردند. این مطلب از تملک‌هایی که در پشت کتاب‌ها نوشته شده، به دست می‌آید.<sup>۱۴</sup>

مهم‌ترین منبع ما برای شناخت این نسخه‌ها در درجه اول، کتاب *پراج ریاض العلماء و حیاض الفضلاء* میرزا عبدالله افندی - شاگرد علامه مجلسی - است که با حوصله تمام، برای چندین دهه، در جستجوی شناخت آثار شیعی و شرح حال علمای شیعه بوده است. دوم نسخه‌های کهن بر جای مانده در کتابخانه‌های ایران است که البته باید با تنبلی بیش از آنچه در اینجا انجام شده، رد پای نسخه‌های مهاجر را به دست آورد.

با توجه به آنچه در ریاض آمده، باید اظهار کرد که بیشتر نسخه‌های کهن که در سال‌های نخست دوره صفوی از سوی علمای مهاجر به ایران آمده، در اردبیل نگهداری شده و به احتمال قوی در کتابخانه بقعه شیخ صفی بوده است. افندی درباره بسیاری از این نسخه‌ها تصریح می‌کند که آنها را در اردبیل دیده است.<sup>۱۵</sup> تبریز را نیز نباید از یاد برد. افندی می‌نویسد: «من کتاب‌های زیادی را به خط شیخ علی بن منصور بن حسین مزیدی فراوان دیده‌ام. مثلاً *استبصار* شیخ طوسی را به خط او در قریه خسرو شاه تبریز دیدم که کتابت آن در سال ۸۷۷ بود. *کتاب عیون اخبار الرضا(ع)* را در روستای دهخوارقان تبریز دیدم. جلد پنجم *تذکره الفقهاء* را هم در تبریز دیدم.»<sup>۱۶</sup> افندی نسخه‌ای از کتاب ابن خالویه - نویسنده کتاب *الاکل* - با عنوان *الطارقیه* در اردبیل دیده که تاریخ کتابت آن سال ۵۶۱ بوده است.<sup>۱۷</sup> می‌دانیم که این شهر، پایتخت مذهبی صفویان بوده و تا اواخر عهد صفوی، مورد اعتنای کامل قرار داشته است. شاه عباس صفوی نسخه‌های فراوانی را وقف بقعه شیخ صفی کرده که بعدها مجموعه این کتاب‌ها توسط روس‌ها دزدیده شده و به کتابخانه آکادمی علوم در لنینگراد منتقل شد.<sup>۱۸</sup> البته توان گفت که پس از

از روی نسخه اصل که به خط مؤلف بوده، استنساخ کرده است.<sup>۲۲</sup> بدین ترتیب، کتاب با یک واسطه از علمای جبل عامل مقیم عراق که خود هم به ایران آمده، وارد ایران شده است.

### نمونه‌هایی از جبل عامل

جبل عامل از مناطق سنتی شیعه است که به احتمال تشیع آن از مهاجرت برخی از طوایف انصار به آن نشأت گرفته است. این مرکز شیعی عالمان زیادی داشته که شرح حال آنها را شیخ حر در مجلد نخست **امل الامل** آورده است. وی می‌گوید که در یک تشیع جنازه در عصر شهید، هفتاد مجتهد حضور داشته‌اند.<sup>۲۳</sup> در قرن دهم هجری، بسیاری از عالمان این دیار، همانند سایر مناطق عربی، در عراق و به طور خاص در نجف و حله تحصیل می‌کرده‌اند و بسیاری پس از تحصیل به منطقه جبل عامل باز می‌گشته‌اند. بعد از پیدایش دولت صفوی، شمار فراوانی از آنها در درازای سه قرن، از قرن دهم تا دوازدهم، راهی ایران و برخی راهی هند<sup>۲۴</sup> شدند. بیشتر اینان، با آمدن به ایران، به عنوان رئیس العلماء یا شیخ الاسلام و... منصوب می‌شدند.<sup>۲۵</sup> برخی از این عالمان نیز نه برای مشارکت در دولت صفوی بلکه برای زیارت مشهد به ایران می‌آمدند<sup>۲۶</sup> و به طور طبیعی، نسخ برخی از آثار موجود در جبل عامل یا عراق و یا آثار تألیف شده در هند<sup>۲۷</sup> را به ایران منتقل می‌کردند. برای نمونه یک عالم جبل عاملی با نام محیی‌الدین بن احمد بن تاج‌الدین عاملی در فاصله سال‌های ۹۵۳ و ۹۵۴ مجموعه‌ای از رساله‌های شهید ثانی را در مشهد استنساخ کرده است.<sup>۲۸</sup> این اقدام در زمان حیات شهید ثانی انجام شده و به احتمال، عالم مزبور به قصد زیارت به مشهد آمده و شاید مقیم شده باشد. وی باید از روی نسخه‌ای که از خارج از ایران وارد شده بوده، نسخه خود را کتابت کرده است. شیخ علی منشار عاملی، از مهاجران به هند بوده که پس از آمدن به ایران، تعداد چهار هزار کتاب را که حداقل برخی را از جبل عامل به هند برده بوده، به اصفهان آورد. این کتابخانه به دلیل آن که تنها دخترش، همسر شیخ بهائی بود، به دست شیخ افتاد که بعدها از میان رفت.<sup>۲۹</sup> عالمان مهاجر، به طور طبیعی کتابخانه‌های شخصی فراوانی داشته‌اند. بسیاری از آنها از نواده‌های عالمان برجسته

بوده و نسخه‌های دستنوشته یا مشتمل بر اجازات و یادداشت‌های عالمان بزرگ جبل را در دست داشتند و در مهاجرت، کتاب‌های خود را نیز به ایران می‌آورده‌اند. به عنوان نمونه، شیخ علی نواده شهید ثانی، آثاری از شیخ حسن فرزند شهید را در کتاب‌های خود داشته که افندی در کتابخانه او دیده است.<sup>۳۰</sup> همانگونه که اشاره شد این وضعیت از قرن دهم تا دوازدهم امتداد داشته است. در نیمه دوم قرن دوازدهم، شرف‌الدین محمد مکی جزینی عاملی از اعقاب شهید اول، که در نجف زندگی می‌کرده، کتابخانه مهمی داشته که از جمله مشتمل بر نسخه‌ای از **ایضاح الفوائد** فخرالمحققین به خط شهید اول بوده است. کتاب‌های وی که تملکش را روی آنها نگاشته در کتابخانه‌های متعدد ایران فراوان یافت می‌شود، چه فرزندان وی به ایران مهاجرت کرده‌اند.<sup>۳۱</sup> یک مجموعه نفیس از سال ۹۰۲ که به احتمال بسیار قوی در جبل عامل نوشته شده و حاوی چند رساله از قبیل **السنکت الاعتقادیة** از شیخ مفید، **نهج السداد الی شرح واجب الاعتقاد** از عبدالواحد بن صفی نعمانی، **النفلیة** از شهید اول، **معدن الجواهر** از کراجکی و **ملحة الاعراب** از ابو محمد قاسم حریری است، با یادداشتی از شهید ثانی بر روی آن به تاریخ نوزده ربیع الثانی ۹۵۰ در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۱۲۶ نگهداری می‌شود. کاتب علی بن حسین حسینی عنقانی است و به دستور زین‌الدین مفلح بن احمد مارونی آن را نوشته است.

- افندی نسخه‌ای از **سراثر** ابن ادریس را در تبریز دیده که یادداشتی از شرف‌الدین حسین بن نصیرالدین موسی بن عود بر روی آن بوده با تاریخ شانزده رجب سال ۷۶۱. این عالم به
۲۲. فهرست کتابخانه ملی (حبیب‌الله عظیمی، تهران، ۱۳۷۲)، ج ۱۳، ص ۲۳۰-۲۳۱.
۲۳. **امل الامل**، ج ۱، ص ۱۵.
۲۴. فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ایرج افشار، دانش پژوه و...، تهران، ۱۳۴۷)، ج ۱۵، ص ۱۲۶.
۲۵. شاه طهماسب گفته بود که برای اداره این قبیله امور، تنها از علمای جبل عامل استفاده می‌کند. نک: ریاض العلماء، ج ۲، ص ۹۰.
۲۶. برخی از اینها مانند خاندان برادر شیخ بهائی در مشهد ماندگار شده و از خادمان حرم شدند. نک: فهرست مرعشی، ۲۱/۳۵۴، ش ۸۳۸۵.
۲۷. نک: ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۳۶.
۲۸. فهرست کتابخانه ملی، ج ۱۳، ص ۳۱.
۲۹. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۶۶.
۳۰. نک: همان، ج ۱، ص ۲۳۳.
۳۱. **الکواکب المنتشرة** «طبقات اعلام الشیعه قرن دوازدهم» (شیخ آقا بزرگ طهرانی و علی نقی منزوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲)، ص ۷۳۹-۷۴۰.

پیش از دوره صفوی، عمده آثار مخطوط شیعی در عراق کتابت و یافت می‌شد. با روی کار آمدن صفویان این نسخه‌ها به ایران انتقال یافت. <sup>۳۹</sup> مثلاً نسخه‌ای که در سال ۹۴۷ در نجف کتابت شده بود، و در انتهای آن خط علی کرکی با تاریخ ۹۵۲ وجود داشت، اکنون در کتابخانه مجلس (ف/۲۵/۵۹، ش/۷۰۵۰) نگهداری می‌شود. بعدها بخشی از آنها به عراق بازگشت، اما رفت و شد این آثار همچنان ادامه داشت.

کتاب **ایضاح الفوائد فخرالمحققین** با برگ تملک محمد بن محمد بن علی حلی جهیمی که به عنوان نسخه‌ای نفیس و قدیمی شناخته شده، به شماره ۱۱۶۲ در کتابخانه مرعشی نگهداری می‌شود.

نسخه‌ای از مناقب ابن شهر آشوب که جزء اول آن را جعفر بن احمد بن حسین قمرویه حائری در شانزده رجب ۵۸۷ نوشته و بخشی از جزء دوم آن توسط ابوالقاسم بن اسماعیل وراق حلی در اواخر رجب ۶۵۸ نوشته شده در کتابخانه عمومی اصفهان نگهداری می‌شود. <sup>۴۰</sup>

نسخه‌ای از کتاب **الدروس شهید اول** (م/۷۸۶) با تاریخ کتابت دوشنبه ۱۲ رمضان ۸۴۶ به شماره ۱۲۵ در کتابخانه گلپایگانی نگهداری می‌شود. محتمل است که این نسخه در ایران - استرآباد - نوشته شده باشد. اجازه‌ای با تاریخ ۸۳۶؛ یعنی پیش از اتمام کتابت کتاب، توسط علی بن حسین بن محمد استرآبادی برای شهاب‌الدین احمد عمادی نیلی نوشته است.

نسخه‌ای از **لمعه** توسط حسین بن محمد بن حسن خویانی موسی با تاریخ رجب ۸۰۸ در نجف اشرف کتابت شده که در حال حاضر در کتابخانه علامه طباطبائی شیراز نگهداری می‌شود. <sup>۴۱</sup>

۳۲. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۸۲.

۳۳. همان، ج ۵، ص ۷۹.

۳۴. همان، ج ۲، ص ۲۰۰.

۳۵. میراث اسلامی ایران، دفتر اول، من تراثنا الخالد فی شیراز (از عبدالعزیز طباطبائی)، (به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۳۷۳)، ص ۳۹۹.

۳۶. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۵۱.

۳۷. همان، ج ۴، ص ۲۵۶-۲۵۸.

۳۸. همان، ج ۱، ص ۳۶۱.

۳۹. برخی از این آثار در همان دوره صفوی در نجف کتابت شده و از آنجا به اصفهان منتقل شده است. نک: فهرست مجلس شورای ملی ج ۱۲، ص ۳۱۵.

۴۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی اصفهان، ص ۳۱۱-۳۱۲.

بخش دیگر همین مناقب از همان دوران در تبریز نگهداری می‌شود.

۴۱. میراث اسلامی ایران، دفتر اول، من تراثنا الخالد فی شیراز، ص ۴۴۰.

احتمال قوی اهل جبل عامل بوده است. <sup>۳۲</sup> افندی مجموعه‌ای را به خط برخی فضلالی جبل عامل دیده که تاریخ ۷۵۲ بر روی آن بوده که در حله به انجام رسیده بوده است. <sup>۳۳</sup>

نسخه‌ای از **تحصیل النجاة فخرالمحققین** را که در کتابخانه شهید ثانی بوده و اجازه‌ای از فخرالمحققین برای سید ناصرالدین حمزه بن حمزه بن محمد علوی حسینی با تاریخ ۷۳۶ بر روی آن بوده، افندی دیده است. قاعدتاً این اثر در حله بوده، سپس به جبل عامل منتقل شده و آنگاه به ایران آمده است. <sup>۳۴</sup> اشاره افندی به اینکه این کتاب در کتب شهید بوده، به احتمال، اشاره به آن است که آثار شهید در اصفهان در خانه فرزند و نوادگان وی نگهداری می‌شده است.

نسخه‌ای از **ثواب الاعمال** شیخ صدوق در کتابخانه علامه طباطبائی شیراز موجود است که توسط علی بن فارس بن محمد بن یوسف بن احمد بن ابراهیم بن ابی الفوارس عاملی در تاریخ ۱۲ شعبان ۷۶۳ کتابت شد است. <sup>۳۵</sup>

افندی نوشته است: «در اردبیل مجموعه‌ای دیدم که به خط برخی از علمای جبل عامل بود. از جمله خط شیخ علی بن محمد بن محمد بن مکی عاملی، فرزند شهید اول در آن بود و شیخ محمد بن علی جباعتی ذیل خط او نوشته بود: نویسنده این خط در سال ۸۶۵ درگذشت. <sup>۳۶</sup>

مجموعه‌ای به خط شیخ زین‌الدین علی بن محمد بن یونس بیاضی - نویسنده **صراط المستقیم** - را که به خط خود وی بوده، افندی در اصفهان در کتابخانه احمد بحرانی دیده است. این مجموعه عتیق، شامل رساله‌های مؤلف بوده که فهرست آنها را افندی آورده است. <sup>۳۷</sup>

### نمونه‌هایی از عراق

مهم‌ترین مرکز شیعی در طول قرن‌های هفتم تا نهم، شهر حله عراق بوده است. گفته شده که در زمان علامه حلی چهارصد و چهل مجتهد شیعه در این شهر زندگی می‌کرده‌اند. <sup>۳۸</sup> عراق محل مهاجرت شیعیان از هر نقطه به حساب می‌آمده است. در واقع، از زمان مرجعیت شیخ مفید و شیخ طوسی به بعد، عراق همیشه مرکزیت علمی برای تشیع داشته است. این مرکزیت در دوره صفوی برای دو قرن و نیم به ایران منتقل شد و پس از آن به طور محدود به نجف بازگشت. تا

را در اردبیل دیده که با نسخه اصل مقابله شده بوده است.<sup>۵۱</sup> همو نسخه ای از **تنزیه الانبیاء** سید مرتضی (م ۴۳۶-۳۵۵) را که اجازه ای از سید عبدالمطلب بن مرتضی با تاریخ ۷۲۳، نوشته شده در موصل، بر روی آن بوده، دیده است.<sup>۵۲</sup> نیز نسخه ای از دیوان سید مرتضی را دیده که بر وی قرائت شده و خط او نیز بر روی آن نسخه بوده است. افندی طی ده روز آن را برای خود استنساخ کرده است.<sup>۵۳</sup> همو نسخه ای از **مجمع البیان** را به خط قطب الدین کبیری دیده که آن را نزد خواجه نصیر طوسی خوانده است.<sup>۵۴</sup> افندی نسخه ای از **الغرر والدرر** سید مرتضی را در اردبیل دیده که تاریخ کتابت آن سال ۵۴۵ بوده است.<sup>۵۵</sup>

نیز وی نسخه ای از **نهج البلاغه** را در اصفهان دیده با تاریخ ۶۷۷ که کاتب آن سید نجم الدین ابو عبدالله حسین بن اردشیر طبری بوده و گویا در حله کتابت شده بوده است.<sup>۵۶</sup> آنچه مسلم است اینکه یادداشت های روی کتاب نشان می دهد که نسخه برای قرن ها در حله بوده و بعدها به ایران منتقل شده است. نسخه دیگری از **نهج البلاغه** در اختیار افندی بوده با تاریخ ۴۹۹ (نسخه بدل ۴۶۹) که کاتب آن حسین بن حسن بن حسین مؤدب بوده است.<sup>۵۷</sup> افندی نسخه ای از **شرح نهج البلاغه** ابن عثاقی را با تاریخ ۷۸۶ در اصفهان دیده که خط وی بر روی آن بوده است.<sup>۵۸</sup>

نام برخی از آثار کهنی که از قرن پنجم تا هشتم در کتابخانه مرعشی موجود است، چنین است:

**رجال کشی** با تاریخ چهارده ربیع الاول ۵۷۷ به شماره ۲۶۳۶

۴۲. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۲۱.
۴۳. همان، ج ۱، ص ۲۲-۲۳، ص ۲۵۷.
۴۴. همان، ج ۳، ص ۱۶۴.
۴۵. همان، ج ۳، ص ۱۶۷.
۴۶. همان، ج ۲، ص ۱۸۳؛ ج ۴، ص ۱۲۳.
۴۷. همان، ج ۳، ص ۲۳۵.
۴۸. همان، ج ۳، ص ۱۴۰؛ ج ۴، ص ۱۰۷.
۴۹. همان، ج ۳، ص ۴۰۸.
۵۰. همان، ج ۳، ص ۴۰۹.
۵۱. همان، ج ۴، ص ۱۸۳.
۵۲. همان، ج ۳، ص ۲۶۷، ۲۹۱.
۵۳. همان، ج ۴، ص ۴۸.
۵۴. همان، ج ۳، ص ۲۹۷.
۵۵. همان، ج ۴، ص ۳۰.
۵۶. همان، ج ۲، ص ۳۷.
۵۷. همان، ج ۲، ص ۴۳.
۵۸. همان، ج ۳، ص ۱۰۶.

تقی الدین ابراهیم کفعمی (م ۹۰۵) از چهره های برجسته شیعی است که در اصل جبل عاملی بوده، اما به نجف آمده و از کتابخانه مشهد غروی در تألیف آثار فراوانش بهره برده است.<sup>۴۲</sup> وی که درست اندکی قبل از پیدایش دولت صفوی می زیسته، آثار فراوانی تألیف کرده و پس از تأسیس این دولت، آثار وی که بسیاری به خط خودش بوده، به شهرهای مختلف ایران، بویژه آذربایجان مرکز دولت صفوی انتقال یافته است. افندی شاهد برخی از این نسخه های بوده است.

افندی مجموعه بزرگی را که رسائل آن همگی به خط کفعمی بوده و تاریخ اتمام آن رساله ها در سال های مختلفی از جمله ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۲ بوده، در ایروان دیده است.<sup>۴۳</sup> وی رساله دیگری به خط کفعمی در مازندران با عنوان **غرة المنطق** و رساله دیگری با عنوان **درة المنطق** دیده است. همو می گوید: «چنین به نظرم می آید که کتابی در تفسیر سوره فاتحه به خط کفعمی در تبریز دیده ام.»

افندی همچنین نسخه ای از **الملاحم والفتن** که به خط ابن طاووس (م ۶۶۴) بوده، دیده که یادداشتی از عبدالکریم بن جمال الدین از تاریخ ۶۷۰ روی آن بوده است.<sup>۴۴</sup> همو نسخه ای هم از کتاب **المجملی** نسابة معروف العمري دیده که یادداشت هایی با تاریخ ۶۸۲ از همین عبدالکریم بن احمد بن طاووس بر روی آن بوده است.<sup>۴۵</sup> همو نسخه ای از کتاب **الفصیح المنظوم لشعرب** را که نظم آن از ابن ابی الحدید بوده را دیده که یادداشتی از سال ۷۰۱ روی آن بوده است.<sup>۴۶</sup> نیز وی اشعار سید عبدالله بن محمد حسینی حائری را در اردبیل دیده که به خط یکی از شاگردان وی در سال ۷۵۰ و در زمان حیات آن شاعر نوشته شده بوده است.<sup>۴۷</sup> همو مجموعه ای را در اردبیل دیده که به خط محمد بن علی جبایعی عاملی - جد شیخ بهائی - و شاگرد ابن فهد حلّی بوده است. این اشعار از شیخ علی بن شهیفته حلّی در مرثیه امام حسین (ع) بوده است.<sup>۴۸</sup> نیز نسخه ای از **اربعین** فاضل مقداد را در اردبیل دیده که به خط شیخ زین الدین علی بن حسن بن غلاله یا علاله بوده و اجازه ای از شیخ مقداد با تاریخ ۸۲۲ روی آن بوده است.<sup>۴۹</sup> افندی در همان اردبیل، نسخه ای از رساله **المقننه فی آداب الحج** را که تألیف محمد بن شجاع انصاری - معاصر فاضل مقداد - بوده، به خط همان شیخ زین الدین علی با تاریخ ۸۲۲ دیده است.<sup>۵۰</sup> همو نسخه ای از **فصول** سید مرتضی



گفتنی است که افندی نسخه ای از سرائر که بر یکی از شاگردان وی با نام شمس الدین ابوعلی فخار بن معد خوانده شده، در کتابخانه مقبره شیخ صفی دیده است.<sup>۶۰</sup> وی نسخه دیگری از السرائر را که در زمان مؤلف کتابت شده بوده، در کتابخانه آمیرزا فخر المشهدی دیده است.<sup>۶۱</sup>

**مجمع البیان** طبرسی از قرن هفتم به شماره ۲۲۷۳ مرعشی.  
**مصباح المتبهجد** شیخ طوسی از قرن هفتم به شماره ۲۵۳،  
۴۸۶۷ مرعشی.

شاید مهم ترین آثار فقهی که از عراق به ایران آمده و البته پیش از صفوی هم در ایران رواجی داشته، آثار علامه حلی (م ۷۲۶) است. شواهدی که در ادامه خواهد آمد، نشان از آن دارد که بسیاری از آثار علامه و حوزه درسی او و شاگردانش، تقریباً به سلامت به دست عالمان دوره صفوی افتاده است. مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی در کتاب **مکتبه العلامة الحلی** فهرست نسبتاً جامعی از آثار علامه را در کتابخانه های ایران و سایر نقاط، به دست داده که نیاز به تکرار آنها در اینجا نیست. این فهرست به اندازه ای طولانی و بلند است که می توان یقین کرد که همان طور که اشاره شد بیشتر آثار علامه، به صورت همان نسخه های کهن قرن هشتم و نهم، پیش و پس از دوره صفوی به ایران منتقل شده است.

افندی در ساری کتاب **خلاصة الرجال** علامه را که یکی از شاگردان علامه آن را نوشته و با نسخه های جدیدتر آن کتاب تفاوت های بسیار داشته دیده است.<sup>۶۲</sup> نویسنده نسخه مزبور حسن بن حسین بن حسن بن معانق و تاریخ کتابت آن ۷۰۷ بوده است.<sup>۶۳</sup> نسخه ای از خلاصه علامه که توسط علی بن محمد بن علی طبری با تاریخ ذی قعدة ۷۴۷ در نجف اشرف نوشته شده در شیراز موجود است.<sup>۶۴</sup> افندی می نویسد که نسخه ای از رساله علامه در **واجبات زکات و ارکان آن** که از آن با عنوان «نسخة عتیقة» یاد کرده، در دست اوست که قریب به زمان مؤلف کتابت شده است.<sup>۶۵</sup> از دو رساله دیگر علامه که یکی درباره حکمت نسخ احکام در پاسخ سؤال سلطان محمد خدابنده بوده و دیگری با عنوان **واجب الوضوء و الصلاة** که برای وزیر ترمشاش نوشته شده،

۵۹. افندی این نسخه را دیده بوده نک: همان، ج ۴، ص ۸۵.

۶۰. همان، ج ۴، ص ۳۱۹، ج ۵، ص ۳۳.

۶۱. همان، ج ۵، ص ۳۳.

۶۲. همان، ج ۱، ص ۲۵۸.

۶۳. همان، ج ۱، ص ۱۷۵.

۶۴. میراث اسلامی ایران، دفتر اول، من تراثنا الخالد، ص ۴۴۲.

۶۵. ریاض، ج ۱، ص ۳۷۸.

مرعشی. روی این نسخه تملک هایی از برخی از عالمان شیعی، از جمله چند عضو یک خانواده فراهانی مقیم عراق عرب با تاریخ هایی از قرن ششم و هفتم وجود دارد (نک: فهرست مرعشی، ۲۰۹/۷).

**بصائر الدرجات**، محمد بن حسن صفار قمی، با تاریخ اول صفر سال ۵۹۱ به شماره ۱۵۷۴ مرعشی.

التبیین شیخ طوسی، با یادداشتی از خود شیخ طوسی با تاریخ ربیع الاول ۴۵۵ و یادداشتی از آخر جمادی الاولی ۴۹۴ از شیخ ابوالوفاء، به شماره ۸۳ مرعشی.<sup>۵۹</sup> مجلدات دیگر آن به شماره ۳۶۰۷، ۳۶۶۵ و ۸۴۱۹ که عمدتاً از قرن پنجم و ششم هستند در کتابخانه مرعشی موجودند.

**المبسوط** شیخ طوسی که توسط شمس المعالی بن علی بن محمد محمدی از شاگردان شیخ در تاریخ محرم ۵۰۷ کتابت شده و به شماره ۲۷۶ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود. نسخه های دیگری از آن از قرن ششم به شماره ۲۵۶۲ و ۲۶۱۳ در همانجا موجود است.

کتاب **من لایحضره الفقیه** از شیخ صدوق. دو مجلد این کتاب که در قرن ششم کتابت شده با شماره های ۲۳۵ و ۲۱۵۱ در کتابخانه مرعشی موجود است.

**النهاية** شیخ طوسی که توسط حمزة بن نصرالله بن احمد موصلی در ۱۴ شوال ۵۰۷ کتابت شده و یادداشت هایی از حسن بن سداد حلی با تاریخ ۷۲۷ و اجازه ای از شیخ عبدالله بن علی وارمینی برای زین الدین علی بن حسن عمادی با تاریخ ۶۹۱ روی آن وجود دارد، به شماره ۲۴۱ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود. از النهایه نسخه ای با تاریخ نیمه صفر ۵۳۵ و نسخه ای با تاریخ ۵۹۵ تحت شماره های ۱۸۴۰ و ۳۱۲۶ مرعشی موجود است. روی نسخه دوم اجازاتی از محقق حلی با تاریخ های شوال ۶۴۵ و ۶۵۴ وجود دارد.

**مجموعه رسائل مفید**. در این مجموعه که از قرن ششم هجری است، تعداد ۱۶ رساله از شیخ مفید وجود دارد. نسخه مزبور به شماره ۲۴۳ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود.

**الارشاد** شیخ مفید که توسط سلیمان بن محمد بن سلیمان حائری در نجف و در قرن هفتم کتابت شده و به شماره ۷۲۲۰ در کتابخانه مرعشی است.

**السرائر** از ابن ادریس از قرن هفتم به شماره ۲۶۰۳ مرعشی.

بن سلطان بن حسین حسینی شجری بوده با تاریخ آخر ربیع الاول ۸۲۳ به شماره ۸۶۷۳ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود که در اختیار خاندان فیض کاشانی بوده است. افندی نسخه ای از قواعد را که به خط شیخ نظام الدین ابوالقاسم علی بن عبدالحمید نیلی و تاریخ کتابت آن ۷۶۱ بوده، دیده است.<sup>۶۹</sup> همو نسخه ای از کتاب حساب خواجه نصیر الدین طوسی را دیده که اجازه ای به خط علامه حلی برای خواجه رشیدالدین آوی بر روی آن بوده است.<sup>۷۰</sup>

مجموعه ای حاوی کتاب نهج المسترشدين فی اصول الدین علامه حلی و کتاب قواعد المرام فی علم الکلام ابن میثم بحرانی که همراه چند رساله از بیضاوی صحافی شده، با تاریخ ۷۹۸ در نجف اشرف، توسط عبدالمطلب بن محمد عبیدلی کتابت شده و در حال حاضر به شماره ۸۷۵۱ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود.

همو نسخه ای از رساله مختصره فی مناسخات المیراث را از سید عمیدالدین عبدالمطلب (م ۷۵۴) خواهرزاده علامه حلی دیده که یادداشتی از علامه هم روی آن بوده و کتابت آن به دست احمد بن حداد حلی در سال ۷۲۱ انجام یافته بوده است.<sup>۷۱</sup>

نسخه ای از کتاب کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد از همان سید عمیدالدین (عبدالمطلب بن محمد بن علی بن محمد) که در نیمه رجب تا بیستم شعبان ۷۳۷ تألیف شده و کتابت آن در دوشنبه نوزده صفر ۷۸۲ تمام شده، در این اواخر در کتابخانه شخصی شیخ فضل الله نوری بوده و اکنون در کتابخانه مجلس (شماره ۴۳۸۷، فهرست ۹۴/۱۲) نگهداری می شود. نسخه دیگری از همین کتاب که عالمی جبل عاملی با نام علی بن حسین بن ... میسی در دوشنبه نهم صفر ۷۹۰ کتابت کرده به شماره ۸۴۲۶ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود. همان مؤلف شرحی بر شرح یاقوت علامه نوشته بوده که نسخه ای عتیق از آن در اختیار افندی بوده که در زمان مؤلف کتابت شده بوده است.<sup>۷۲</sup>

نسخه هایی در اختیار افندی بوده که از آنها با عنوان «نسخان عتیقتان» یاد کرده و گفته است که تاریخ کتابت آنها نزدیک به عصر مؤلف بوده است.<sup>۶۶</sup>

افندی نسخه ای از رجال کشی را دیده که خط علامه حلی نیز روی آن بوده است.<sup>۶۷</sup> نسخه ای از کتاب ایضاح مخالفة اهل السنة علامه حلی با تاریخ ۷۲۳ در کتابخانه مجلس (ف ۱۵/۳۰) نگهداری می شود.

نسخه ای از کتاب تحریر علامه را افندی دیده که اجازه ای از حسن بن حمزه نجفی با تاریخ ۸۶۲ و تاریخ ۸۳۶ در برخی صفحات آن، در آن وجود داشته است.<sup>۶۸</sup> نسخه ای از کتاب تحریر با کتابت و شاح بن محمد بن عسه با تاریخ دوم جمادی الاولی ۷۱۹ به شماره ۸۵۱۵ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود. نیز نسخه ای از تحریر که کاتب آن محمد بن حسن بن محمد بن علی بن ناصر المجلجل است و کتابت آن را در سه شنبه ششم شعبان ۷۴۷ تمام کرده، به شماره ۲۶۱ در کتابخانه گلپایگانی نگهداری می شود. این نسخه در سال ۷۷۵ با نسخه مؤلف مقابله شده و یادداشتی با تاریخ رجب ۷۸۳ روی آن هست و نیز تملکی با تاریخ ۳۰ ربیع الثانی ۹۴۱ از ابراهیم بن علی سیاری بحرانی. نسخه ای از ارشاد الاذهان علامه حلی که حسین بن محمد بن علی علوی طوسی در ۲۸ رمضان سال ۷۰۴ در حله کتابت کرده، در سال ۱۲۹۷ در کتابخانه فرهاد میرزا بوده و اکنون در کتابخانه مجلس (فهرست ۱۷۱/۱۴) نگهداری می شود. روی همین نسخه، اجازه ای به خط علامه با تاریخ آخر ذی حجه ۷۰۴ موجود است. مجموعه ای ارزشمند که محتوی چندین رساله و اجازه از علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین و برخی دیگر بوده و متعلق به قرن هشتم هجری است، در کتابخانه مجلس (۱۴/۲۲۶-۲۲۷، ش ۴۹۵۳) نگهداری می شود. نسخه ای از شرح ارشاد الاذهان از کمال الدین عبدالرحمان عتائقی نیز که کتابت آن نزدیک عصر مؤلف (قرن هشتم) دانسته شده، به شماره ۸۶۰۹ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود.

نسخه ای از کشف الفوائد فی شرح العقائد علامه که در سال ۹۰۲ در مدرسه زینبیه حله کتابت شده، در کتابخانه مرعشی به ش ۸۰۴۷ موجود است. نسخه ای از قواعد الاحکام علامه که کاتب آن سلطان بن حسن

۶۶. همان، ج ۱، ص ۳۷۹-۳۷۸.

۶۷. همان، ج ۲، ص ۲۹۶.

۶۸. همان، ج ۱، ص ۱۸۲، ج ۳، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۶۹. همان، ج ۴، ص ۹۲.

۷۰. همان، ج ۴، ص ۲۰۵.

۷۱. همان، ج ۳، ص ۲۶۰.

۷۲. همان، ج ۳، ص ۲۶۱.



نسخه ای از کتاب **الدورس** شهید را به خط حسن بن حسین بن مطر اسدی افندی در کوبنن دیده که تاریخ کتابت آن در ۸۰۲ بوده؛ با یاد از شهر حله. این نسخه برای احمد بن جعفر شامی حلی نوشته شده است.<sup>۸۶</sup> افندی نسخه ای از کتاب **تحفة الطالبین فی معرفة اصول الدین** از عبدالسمیع بن فیاض اسدی حلی را که از آن با تعبیر «کانت عتیقة جداً» یاد کرده، در قزوین دیده است.<sup>۸۷</sup>

افندی نسخه های عتیق متعددی از کتاب **عیون المعجزات** حسین بن عبدالوهاب از علمای معاصر شیخ طوسی دیده است. وی این نسخ را در کازرون، بحرین و لحسا دیده و اظهار کرده است که کتابت نسخه ای که در کازرون مشاهده کرده، سال ۵۵۶ بوده است. از توضیحات بعدی وی به دست می آید که نسخه کازرون از زمان های دور وقف مزار یکی از سادات بوده است.<sup>۸۸</sup>

افندی دو نسخه از کتاب **التحقیق المبین فی شرح نهج المسترشدين** مولی نجم الدین خضر بن شمس الدین محمد حبلرودی دیده که نزدیک به زمان تألیف آن یعنی سال ۸۲۸ بوده. یک نسخه در تبریز و دیگری در اردبیل. وی ساکن نجف بوده است. افندی نسخه های از کتاب های دیگر وی را هم در اردبیل و استرآباد و ساری (به خط کفعمی) دیده است. نسخه ای هم از رد وی بر یوسف بن مخزوم اعور - که کتابی در رد شیعه نوشته بوده - در اصفهان دیده که تاریخ تألیف آن ۸۳۹ بوده است.<sup>۸۹</sup>

المهجنز بزاز، فقیه معاصر شیخ مفید، که مورد استفاده افندی قرار گرفته است.<sup>۷۳</sup> علامه مجلسی نیز نوشته است که از نسخه ای قدیمی که خط بن ادریس روی آن هست، استفاده کرده که ممکن است همان نسخه مورد اشاره افندی باشد.<sup>۷۴</sup> از جمله نسخه ای از کتاب **الانوار** از ابوالحسن احمد بن عبدالله بکری به تاریخ کتابت ۶۹۶، در اختیار وی بوده است.<sup>۷۵</sup>

نسخه ای از **صحیفة سجادیه** را که جامع آن ابن اشناس بوده و افندی از آن با عنوان نسخه ای یاد کرده که به احتمال در دوره جامع آن کتابت شده در تبریز دیده است.<sup>۷۶</sup> وی می گوید که نسخه اصل مؤلف هم در حال حاضر نزد برخی از اعظام موجود است.<sup>۷۷</sup> وی نسخه دیگری از **صحیفة** را که تاریخ ۶۰۳ رویش بوده و خطی از شهید اول نیز بر آن بوده، دیده است.<sup>۷۸</sup> نیز وی نسخه ای از کتاب **نزهة الناظر فی الجمع بین الاشیاء والنظائر** را که از مذهب الدین حسین بن محمد بن عبدالله بن ردة بوده با تاریخ ۶۷۴ دیده است.<sup>۷۹</sup> افندی نسخه ای از کتاب **مصباح المهتدین فی اصول الدین** شیخ حسن بن محمد بن راشد حلی که تاریخ کتابت آن ۸۸۳ بوده در استرآباد دیده است. افندی نسخه ای از **مصباح المتجهد** شیخ طوسی دیده که یادداشتی از شیخ حسن راشد حلی با تاریخ ۸۳۰ بر روی آن بوده است.<sup>۸۰</sup> چنانکه نسخه ای از کتاب **قواعد** علامه را به خط همین شیخ حسن راشد حلی در کتابخانه فاضل هندی دیده است.<sup>۸۱</sup> وی در اصفهان، نسخه ای از حاشیه یمنی را بر **کشاف** که تماماً به خط همان شیخ حسن بن راشد حلی بوده و در ۸۲۴ کتابت شده، دیده است.<sup>۸۲</sup>

افندی نسخه ای کهن از کتاب **المسائل الیقین لذوی الفطنة والتعمین** را که تاریخ کتابت آن ۸۲۴ و به خط احمد بن حسین بن حمزة صریحانی بوده و به نظر وی همان مسائل ابن ابی طی است در اصفهان دیده است.<sup>۸۳</sup> نیز وی نسخه ای از کتاب **التیان** شیخ طوسی را که اجازه ای به خط شیخ بر روی آن بوده، دیده است.<sup>۸۴</sup> افندی نسخه ای از کتاب **المراسم العلویة** ابویعلی سلار بن عبدالعزیز دیلمی از شاگردان شیخ مفید و شیخ طوسی را که قریب به زمان مؤلف کتابت شده، دیده است.<sup>۸۵</sup> نسخه ای از **ارشاد** شیخ مفید از قرن هفتم در کتابخانه گلبایگانی به شماره ۳۱۸ نگهداری می شود.

۷۳. همان، ج ۲، ص ۴۱۸.  
 ۷۴. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶.  
 ۷۵. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۴۳.  
 ۷۶. همان، ج ۱، ص ۳۱۲.  
 ۷۷. همان، ج ۱، ص ۳۱۲.  
 ۷۸. همان، ج ۴، ص ۳۹۷-۳۹۸.  
 ۷۹. همان، ج ۲، ص ۸۴.  
 ۸۰. همان، ج ۱، ص ۱۸۶، ج ۳، ص ۳۴۳.  
 ۸۱. همان، ج ۱، ص ۱۸۷.  
 ۸۲. همان، ج ۱، ص ۳۴۲.  
 ۸۳. همان، ج ۱، ص ۱۶۳.  
 ۸۴. همان، ج ۱، ص ۱۷۴.  
 ۸۵. همان، ج ۲، ص ۴۴۱.  
 ۸۶. همان، ج ۱، ص ۱۸۰.  
 ۸۷. همان، ج ۳، ص ۱۲۱.  
 ۸۸. همان، ج ۲، ص ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸. مقایسه کنید با: فهرست مرعی، ۲۴۱/۲۱، ش ۸۲۸۱.  
 ۸۹. ریاض، ج ۲، ص ۲۳۷-۲۳۸.

آن را به خط صدوق می‌دانند و مجلسی آن را نپذیرفته، اما می‌نویسد که خط صدوق روی آن هست.

وی از کتابی با نام کتاب الامامة یاد کرده که مؤلف را نشانخته، اما از اجازات روی نسخه کهنه آن دانسته است که نویسنده از مؤلفان و فقیهان برجسته شیعه بوده است.

از کتاب **قرب الاستاد حمیری** نیز «... نسخه قدیمه» در اختیار داشته که خط ابن ادریس روی آن بوده است. از **امالی** شیخ طوسی نسخه کهنه‌ای در اختیار داشته که اجازاتی از علما بر روی آن بوده است. وی نسخه‌ای نیز از کتاب **الاختصاص** منسوب به شیخ مفید داشته که از آن به عنوان «... نسخه عتیقه» یاد کرده است.<sup>۹۶</sup> از **تفسیر العیاشی** هم دو نسخه قدیمی دیده اما تاریخ آن را مشخص نکرده است. از کتاب **اعلام الوری** شیخ طبرسی، نسخه‌ای به خط مؤلف در اختیار مجلسی بوده است. از کتاب **تحف العقول** نیز نسخه‌ای که از آن با تعبیر «کتاب عتیق» یاد کرده، در اختیار داشته است.<sup>۹۷</sup> یک کتاب دعا هم در اختیار داشته که مؤلف آن را نمی‌شناخته، اما نسخه آن نسخه عتیقه شناسانده شده است.<sup>۹۸</sup> مجموعه دیگری در دعا در اختیار علامه مجلسی بوده که تاریخ کتابت آن در سال ۵۷۶ بوده و ابن طاووس هم مکرر از آن نقل کرده است.<sup>۹۹</sup> نسخه‌ای از **الغارات** در اختیار علامه مجلسی بوده که یکی از افاضل از روی نسخه‌ای که قریب به زمان مؤلف کتابت شده بوده، استنساخ کرده و در اختیار علامه مجلسی قرار داده است.<sup>۱۰۰</sup> نسخه‌ای از **دلایل الامامة** که از آن با عنوان «نسخه قدیمه مصححه» یاد کرده، در کتابخانه امیرالمؤمنین (خزانه کتب مولانا امیرالمؤمنین)، بوده که مورد استفاده علامه مجلسی قرار گرفته است.<sup>۱۰۱</sup>

### نمونه‌هایی از بحرین

رفت و شد بحرینی‌ها به ایران در دوره صفوی معمول بوده است. گاهی نیز به عکس بوده و برای نمونه شیخ حسین پدر شیخ بهائی که سال‌ها در ایران مقیم بوده، به بحرین رفت و همانجا درگذشت.<sup>۹۰</sup> شیخ بهائی می‌گفت پدرش نخستین کسی بوده که کتاب‌های حدیث را به ایران آورده است.<sup>۹۱</sup> طبعاً وی نسخه‌هایی از کتاب‌های حدیثی را از خارج به ایران آورده است. کسانی از بحرینی‌ها نیز در عراق به تحصیل مشغول بوده‌اند. مثلاً شیخ حسین بن علی هجری از شاگردان محقق کرکی بوده و کتاب‌هایی از وی در مشهد و اجازه‌ای از او در مشهد العظیم در ری وجود داشته که افندی آن را دیده است.<sup>۹۲</sup> افندی از شرح **شرح یاقوت** یاد کرده که مؤلف آن عمیدالدین فرزند خواهر علامه بوده است. شرح یاقوت هم از خود علامه است. افندی می‌گوید شرح عمیدالدین در بحرین متداول است (پتداول بالبحرین) و من آن را در اصفهان دیدم که البته و النسخه عتیقه جدا.<sup>۹۳</sup> افندی نسخه‌ای از کتاب **جوامع السعادات فی فنون الدعوات** را از شیخ عبدالرحیم بن یحیی بن الحسین البحرانی - که از علمای پس از عصر ابن فهد حلی بوده - در یزد، به خط مؤلف دیده است.<sup>۹۴</sup> نسخه‌ای از کتاب **المسائل الشامیه فی فقه الامامیه ابن فهد حلی** (۸۴۱) که کتابت آن نزدیک به عصر مؤلف است به شماره ۸۴۸۴ مرعشی نگهداری می‌شود.

### علامه مجلسی و استفاده از نسخه‌های قدیمی

علامه مجلسی هنگام استفاده از منابع مختلف در بحار، حساسیت خاصی در استفاده از نسخه‌های کهنه و معتبر داشته است. وی در بحار، پس از یاد از نام منابع خود، فصلی را تحت عنوان «فی بیان الوثوق علی الکتب المذكورة و اختلافها فی ذلک»<sup>۹۵</sup> به بررسی مقدار اعتبار منابع ننشسته و با تکیه بر آن که نسخه این قبیل منابع، قدیمی و کهنه بوده و اجازات علما و محدثان روی آنهاست، به اثبات درستی اعتبار آنها پرداخته است.

وی نخست از آثار صدوق یاد کرده و می‌نویسد: از **امالی** او نسخه تصحیح شده‌ای دارد که قریب به زمان مؤلف کتابت شده و اجازه بسیاری از مشایخ بر روی آن موجود است. از **خصال** صدوق نیز نسخه‌ای دارد که اجازه شیخ مقداد بر روی آن هست. مجلد نخست **عیون اخبار الرضا** نیز نسخه‌ای کهن است که برخی

۹۰. همان، ج ۲، ص ۱۲۱.

۹۱. لوامع صاحبقرانی، ص

۹۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۲.

۹۳. همان، ج ۱، ص ۳۷۸.

۹۴. همان، ج ۳، ص ۱۱۴.

۹۵. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶-۲۷.

۹۶. همان، ج ۱، ص ۲۶-۲۷.

۹۷. همان، ج ۱، ص ۲۸-۲۹.

۹۸. همان، ج ۱، ص ۳۱.

۹۹. همان، ج ۱، ص ۳۳.

۱۰۰. همان، ج ۱، ص ۳۷.

۱۰۱. همان، ج ۱، ص ۴۰۷.